

پیش از

پیدایش سفال

نقش دار،

انسان پیکرک

گلی را با همان

دقت و توجهی

ساخت که نقش

هندسی را بر بدنه‌ی

ظرف طرح انداخت

مانده از هریک از دوره‌های کهن نیز نمایانگر میزان توجه هنرمند به موضوع نقش است که با بررسی مانده‌های هنری و موضوع پرده‌های نقاشی می‌توان صحنه‌هایی مقرون به واقع از زندگی مردم آن دوران را تصور نمود.

بررسی و مقایسه‌ی شکلی موضوع نقش سفال نشان دهنده آن است که در آغازین دوره پیدایش سفال نقش دار، یک دست بودن عنوان موضوع نقش، تابع زمان بوده و موقعیت جغرافیایی آثار باستانی یافت شده کمتر در تنوع موضوع نقش مؤثر بوده است. شکل تدفین، معماری گور و اشیاء یافت شده در آن نیز اشاراتی به آیین‌ها، باورهای مذهبی و نوع تلقی ایشان از دنیای پس از مرگ دارد.

نخستین خشت و آغاز استقرار انسان در فضای دست ساخته خود، حاکی از آغاز فصلی نوین با معیشت کشاورزی، مشارکت در تولید کلان مواد خوراکی، تربیت و نگهداری از دام، تأمین علوفه برای رمه، گله داری و توسعه قلمرو و سهمیم شدن انسان در بهره برداری از چراگاه‌ها، چشمه‌ها و آبشخورهای سفره طبیعت است.

نخستین ساخت و سازهای معمارانه در بستر زیستی مناسب، در نزدیکی چشمه آب یا رودخانه‌ی آب شیرین، سر آغاز زمین گیر شدن انسان بوده است، پیروزی او در همزیستی

نوین خود با بستر طبیعی هموار شده، یکجا نشینی و پیدایش نخستین روستا را با شکل گیری طبقات اجتماعی و پیدایش سکوی خطابه، معبد یا نیایشگاه به دنبال داشته است.

از آن جا که آشنایی با مصداق‌های واقعی نخستین نشانه‌های پیدایش هنر و اندیشه، بی‌جستجو در شرایط طبیعی زمان معینی از گذشته، و بی‌کنجکاوی در کشکول تاریخ و پیش از تاریخ و مدارک باستان‌شناسی ناشدنی است، تدارک این مقاله متکی است بر یافته‌های فرهنگی دوران باستان و پژوهش‌های باستان شناسان هنر آشنای غیر بومی و تلاش باستان شناسان فرهنگ مدار ایرانی که همگام با پیشرفت‌های علمی در جهان امروز، به گسترش دانش باستان‌شناسی و آشنایی با پیشینه قلمرو فرهنگی مرزهای زبان فارسی همت گماشته‌اند.

#### نگاهی بر پیشینه‌ی هنر، انسان، و طبیعت در آغاز انقلاب نوسنگی:

از مانده‌های کالبدی از رد حضور انسان پیش از تاریخی، در دامنه‌های کوهستان البرز و همچنین دامنه‌های کوهستان زاگرس به ویژه آثار فرهنگی بسیار پیشرفته دوران نوسنگی در این سرزمین، می‌توان در نظر گرفت که نخستین پیشرفت‌های هنری، آبیاری، کشاورزی، معماری و دست ساخته‌های انسانی از این سرزمین آغاز شده و به تبع آن گسترش یافته و در همین بستر فرهنگی به قوام آمده باشد. شاید یکی از عوامل مؤثر در پیدایش انسان فرهنگی در این سرزمین، ویژگی‌های ممتاز موقعیت جغرافیایی و شرایط زیستی مناسب در این سرزمین انسان ساز باشد. در شرایط سخت طبیعت زمین در آخرین دوره از یخبندان‌های بزرگ (دوران پارینه سنگی) و هم چنین در دوران باران (دوران

نوسنگی) به لحاظ نزدیکی مدار گرم زمین به حوزه خلیج فارس، سفره طبیعت برای ساکنان عرصه‌های فرهنگی انسان از گرگان رود تا میان رودان گشوده بود، و انسان در این بوته آزمایش با سربلندی، زمینه‌های پیشرفت فرهنگی آینده‌اش را فراهم آورد. آن چنان که در گزارش بررسی شرایط زمین در آن دوران آمده است که «قشر یخ بزرگی که چهار بار سطح قاره‌های آسیا - اروپا را پوشانید، هرگز تا جنوب یعنی خاور میانه نرسید».

«آثاری که در غار شنیدر (عراق) و هزار مرد به دست آمده کاملاً شبیه به آثار غار بیستون در غرب ایران و در بسیاری از جزئیات شبیه به آثار غار قرائین در ترکیه است».<sup>۲</sup>

«قدمت پیشنهاد شده برای بیش از بیست غار، پناهگاه و محوطه‌های دوره میانی پارینه سنگی حوزه زاگرس، شمال ایران، خراسان و کرمان در حدود ۳۸۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ سال است و قدمت آثار این دوره در حوضه مسیله تا ۶۰۰۰۰ سال قابل تخمین است».<sup>۳</sup>

در بسیاری از نقاط زیست بوم انسان این دوره، دست ساخته‌های ثبت نشده بسیاری را می‌توان در نظر گرفت که توسط انسان با تغییر دادن شکل اجسام پدید آمده و در خاطره تاریخ و پیش از تاریخ نمانده باشد. هرچند که مصداق نخستین تغییری که انسان آگاهانه بر سنگ، استخوان یا چوب وارد آورده چندان روشن نیست، با این حال شاید بتوان مشته سنگ را نخستین دست ساخته انسانی عنوان نمود.

با این احتساب که مشته سنگ‌های یافت شده در محوطه‌های فرهنگی دوره‌های مختلف و بسیار طولانی (چندین صد هزارساله) پارینه سنگی، دارای هویتی معین بوده و انواع آن‌ها توسط باستان شناسان

# نخستین خشت، نخستین پیاله

محمد مهربار



## سرآغاز:

نخستین بارقه‌های آشنایی

مردم این سرزمین با رازهای نهفته در سنگ، آتش، آب و خاک، سرآغازی شد بر پیدایش دست ساخته‌های انسانی که در گوشه

کنارهای بستر فرهنگی ایشان در جهان باستان پدید آمده است، تا کنون برخی بر جا مانده و مورد ثبت و

ضبط و بررسی علمی دانشمندان و باستان شناسان متخصص دوران پیش از تاریخ قرار گرفته و در گزارش‌های ایشان منعکس شده است.

توجه و دقت انسان دوران باستان بر شناخت خواص مواد دم دستی زیست بوم خود، با انگیزه بهره برداری از آن‌ها و احساس ضرورت پاسخ

گویی به نیازهای درونی بر حسب شرایط بیرونی طبیعت پیرامونش، معطوف شده است. او با لمس کردن و تجربه عملی هر یک از پدیده‌های

خام جالب توجه و مورد نیاز خود، با تغییراتی ولو اندک که در آن‌ها پدید آورده، پرداخته‌ی دست او قلمداد شده و آن ماده خام طبیعی تغییر شکل

داده شده، دست ساخته انسان به شمار آمده است.

بررسی اولویت‌های آشنایی انسان کهن با خُرد و کلان مواد پیرامونش به ویژه آشنایی با نخستین دست ساخته‌های انسانی و نوع،

میزان، روش و زمان و مکان تغییراتی که در آن‌ها پدید آورده را می‌توان در لایه‌های زیستی محوطه‌های باستانی و بررسی گزارش‌های باستان

شناسان خبره دوران پیش از تاریخی

جستجو کرد.

آغازین گام‌های مربوط به تولید نخستین

وسایل بهره برداری و نگهداری از آب، ظرف‌های

آب خوری، و هدایت آب را باز شناخت و نخستین خشت،

آغاز ساخت و ساز، معماری، پیدایش هنر و نخستین نقش‌های

هندسی «آیینی»، را در اتکای به دانش امروزی، پژوهش‌های باستان

شناسی و به روایت مانده‌هایی از دوران کهن زندگی انسان، بررسی کرد

که در این سخن به برخی از نکته‌های شاخص آن اشاره خواهد شد.

برخی از دست ساخته‌های بر جا مانده از دوران کهن، نشان از میزان

پیشرفت‌های فنی، علمی، هنری و بعضی رفتارهای گروهی دارد و برخی

نمایشگر خلق و خو، باورها، آیین و اعتقادهای مذهبی هستند.

در این میان پیکرک‌های انسانی و حیوانی یادآور میزان تعلق خاطر

گروه‌های انسانی است، به شخصیت اصلی پیکرک انسان یا ویژگی‌های

گونه‌ی حیوانی که پیکر او را ساخته‌اند. گاه حالت پیکرک‌های انسانی

دارای پیام بوده و گویای هدف هنرمند از پردازش حالت ویژه شخصیت

اصلی پیکرک است. لباس پیکرک‌ها و تزیینات آن‌ها نیز دریافت پیام

پنهان پیکرک را آسان می‌کند.

به همین سیاق شکل ظرف، کارآیی و نقش روی بدنه ظرف نیز

حامل پیام‌های مخابره شده، از دنیای باستان هستند. نقش‌های برجای

سفالگری صنعتی بود ابداعی

انسان و برخاسته از فرهنگ

و اندیشه‌ی او، و چون

آموزش ساخت سفال

همزمان با تولید آن شروع

شده بود بنابراین در کیفیت

ارتباط کلامی انسان نیز

نقش مهمی ایفا کرده است

در آن همراه با سالیابی لایه‌های باستانی به نتیجه رسیده و مصداق‌هایی واقعی از مانده‌های کالبدی زندگی انسان فرهنگی در این محوطه شناسایی و گزارش شده است.

نخستین خشت:

«کاوشگران در نتیجه‌گیری نهایی ارقام زیر را براساس آزمایش‌های کربن ۱۴، برای هر یک از دوره‌های فرهنگی مشخص شده در تپه علی کش (واقع در حوزه دهلران، شمال غربی خوزستان) پیشنهاد و ارائه داده‌اند.

دوره بزمرد ۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ پ.م. ۹۰۰۰ سال پیش، دهکده بزمرده در دوکیلومتری دامنه کوه حمیرین در بخش جنوب شرقی دشت دهلران شکل گرفت. ساکنین این دهکده قطعاتی از رسوبات قرمز رنگ نزدیک محل استقرار خود را به اندازه‌های ۲۵×۲۵×۱۰ سانتی‌متر بریده و از آن‌ها به صورت خشت برای ساختن دیوار منزل‌های مسکونی خود استفاده کرده‌اند. ضخامت دیوارها میان ۲۵ تا ۴۰ سانتی‌متر و اندازه اطاق‌ها ۲×۲/۵ متر و ورودی اطاق‌ها ۱ تا ۱/۵ متر پهنا داشته است. کف اطاق‌ها احتمالاً از حصیر با روش یکی از زیر یکی از رو بافته شده بود.<sup>۵</sup> دهکده بزمرد به دهکده‌های زاوی شمی، شنیدار، کریم شهیر واقع در کردستان عراق و دهکده آسیاب و گنج دره واقع در هرسین کرمانشاه و غرب ایران هم زمان بوده است.

دوره علی کش ۶۷۵۰ تا ۶۰۰۰ پیش از میلاد. در این دوره با افزایش ۴۰٪ کشت غلات و افزایش گوسفند در رمه‌ها پیشرفت بیشتری را نشان

تولید و استفاده از تیغ‌ها، ریز تیغ‌ها، ریز تیغه‌ها، تیغ‌های کول‌دار، سوراخ‌کن‌ها، مته‌های دندان‌دار، همچنین سرتیرها و استفاده از ریز تیغه‌های دسته استخوانی یا چوبی به شکل داس برای دروکردن غله است. ابزارهای استخوانی همچون درفش نیز در این دوره استفاده می‌شد و از صدف و سنگ، وسایل تزیینی مانند مهره و آویز می‌ساختند.

آثار دوره فرا پارینه سنگی در ایران در دو محل غار خر و پناهگاه سنگی ورواسی بیشتر از سایر نقاط بررسی شده است. در خرم‌آباد آثار این دوره فقط در غار پاسنگر به دست آمده است. علاوه بر دره هلیلان و هرسین کرمانشاه، چهار غار بررسی شده است: مار روز، مار گورگالان سراب، درمار و غار گوگل.

در اطراف رودخانه کور در مرودشت فارس و همچنین در خوزستان نیز آثار این دوره شناسایی شده است. غار علی تپه در نزدیکی بهشهر در ساحل جنوبی دریای خزر و همچنین دو غارها تو و کمربندی مورد کاوش قرار گرفته‌اند و آثار اواخر این دوره مربوط به ۱۰۰۰۰ سال پیش در آن‌ها شناسایی شده‌اند.<sup>۴</sup>

آثار برجا مانده از این دوره نشان دهنده جستجوگری انسان در پرداختن به زیباشناسی و آفرینش‌های هنری هستند. به عنوان نمونه می‌توان از حوزه‌ی فرهنگی دهلران یاد کرد که بررسی‌های باستان‌شناسی



در نقوش سفال‌های

طبقه اول شوش، سادگی

و روشنی نقوش دیده

می‌شود، و در ترکیب

نقوش، تناسب حجم

رعایت شده و هر

عضوی از این نقوش

ارزش واقعی خود را در

مجموع ترکیب حفظ

کرده است

کارنامه انسان و طبیعت پنداشت.

هستند برخی

دیگر از دست

ساخته‌های انسانی که از

ترکیب دو و یابیشتر از دو

ماده مورد توجه انسان پدید

آمده باشند، همچون گل

پیکرک‌های انسانی و جانوری و

پیکرک‌های گلی که با وزش باد یا

آفتاب خشک شده باشند که در هر

حال از ترکیب چند ماده و در چند مرحله

ساخته شده‌اند و بازتاب اراده و نقش انسان

در پردازش صورت آن‌ها در خور رد

گیری است.

چنین می‌نماید که در زاگرس ایران و عراق که در

آنجا زیستگاه‌های گوناگون آن دوران یافت شده است، گروه‌های

خویشاوند کار شکار جانوران بزرگ را به صورت مشترک و تشکیل

اتحادیه‌هایی انجام می‌داده‌اند. غار کوه بیستون در میان آثار دیرینه

سنگی ایران از همه شناخته شده‌تر بود.

قدمت دوره فرا پارینه سنگی در خاورمیانه و ایران از حدود ۱۶۰۰۰

سال پیش آغاز می‌شود و از ویژگی‌های صنعت ابزارسازی این دوران

پژوهشگر، شناسایی و طبقه‌بندی شده است. شکستگی‌های کهنه‌ترین رشته سنگ شناخته شده، که متناسب با مشخصات و مقیاس دست انسان قواره شده و لبه‌های بُرنده و تیز در آن پدید آمده را می‌توان نخستین تغییری در نظر گرفت که آگاهانه در جسمی همچون سنگ رشته توسط انسان اعمال شده باشد. از این رو می‌توان کهنه‌ترین رشته سنگ شناخته شده را نخستین ساخته‌ی دست انسان دانست.

برخی از باستان‌شناسان این دوره را با نام «دوره جمع آوری غذا» یاد کرده‌اند و بر این اعتقاد هستند که آتش در این دوران در اختیار انسان قرار گرفته است. محتمل است که در آخرین یخبندان بزرگ، در پاسخ گویی به ودیعه‌ی بقا و نیاز بسیار شدید به گرمای آتش، انسان را به توجه و دقت در جزئیات شرایط روشن کردن آتش و نگهداری و نگاهبانی از درخشندگی آتش واداشته باشد.

نگاه کردن به آتش و دقت در پیشگیری از خاموش شدن آن، روح و روان او را روشن نموده و شاید مقدمات اندیشیدن و به خاطر سپردن نتیجه تجربه خود را آغاز کرده باشد. شاید با فراهم آوردن مقدار مواد سوختنی، تخمین میزان سوخت برای مدتی معین، شرایط گسترش یا کم شدن فروغ آن و زمان سنجی هنگام به پایان رسیدن سوخت، ذهن و روان او را ناگزیر (و احتمالاً ناخواسته) با اندیشه تجربی حساب آشنا نموده باشد، تا آن جا که شاید بتوان پیدایش محوری آیینی را به این دوران نسبت داد و شاید بتوان آتش و آتشدان را نخستین مهرآب نیایش گروه‌های انسانی دانست و گذر از دوران پارینه سنگی را زمینه ساز پیشرفت‌های فرهنگی انسان و پیدایش انقلاب فرهنگ نوسنگی و سر آغاز شکوفایی دیگری از

تحولاتی شگرف پدید آمد و به تبع آن زبان نیز متحول شد و واژه‌های جدیدی به مجموعه واژه‌های گذشته اضافه شدند و کاربرد پیدا کردند.»<sup>۸</sup>

نخستین پیاله‌های سفالی پس از گذشت دوره‌ای بسیار طولانی از رمزگشایی راز روشن کردن آتش، و شناسایی برخی از ویژگی‌های آب و خاک ساخته شد و در کنار دیگر دست ساخته‌های گلی، بر تارک کارنامه درخشان پیشرفت فرهنگی انسان نشست.

چنین به نظر می‌رسد که پیش از ساخت ظرف سفالی، بسیاری از ویژگی‌های آب را تجربه کرده بودند و از جمله هدایت و جابجاکردن آب بر سطح زمین شیب دار کنار چشمه آب و حتی هدایت مهار شده‌ی آب در مقیاس جریانی اندک، یا بستن جلوی آب اندک هدایت شده را از دیر زمانی آموخته و تجربه کرده بودند. ساخت نخستین پیاله را می‌توان نمادی پنداشت که یاد آور مجتمعی از سرشاخه‌های علمی و هنری و تجربه‌های پیشین انسان طی قرون متمادی باشد، و از آن جمله پیشرفت او را در آسان کردن تأسیس کشتزارهای گسترده‌تر و نگهداری از دام بیشتر و تشکیل رمه و سازگاری بیشتر با طبیعت پیرامونش، ممکن ساخته است. پس از مدتی نه‌چندان طولانی هنرنمایی او در آفرینش نقش‌هایی بر زمینه‌های سفال، بیشتر بر گرد تجربه رابطه زندگی با آب و نمادهای مرتبط با هندسه جابجاکردن آب بر روی زمین دور می‌زند، و از جمله نمایش چشمه آب، جریان آب از نقطه‌ای به نقطه دیگر، کرت بندی کشتزارها یا باغ‌های کوچک و خطوط تراز (تراز آب)، خطوط موجی (خروشندگی آب) خطوط زیگزاگ (خطوط شیب‌شکن و آرام کردن خروش آب) نقش آفرینی هنرمندان پیشگام دوران پیش از تاریخ آن چنان ماهرانه است که در مقایسه با هنرهای ترسیم

هنرمندان امروزی کم و کسری در آن‌ها به چشم نمی‌خورد. با این تفاوت که همه تجربه و سرمشق‌های او نزد هنرمندان امروزی بوده است، ولی او خود بدون سرمشق مستقیماً به ثبت و ضبط جوهری نکاتی از طبیعت پرداخته است.

گوهر آب تا حدی شناخته شد که با احترام ویژه از آن نگاهبانی کرد و با دقت در رفتار، روانی جریان، و پاکیزه نگاه داشتن آب به آن عشق ورزید تا به اندیشه رسید. آن توجهی را که با برافروختن آتش آغاز کرده بود، این بار برای شناخت مشخصات لطیف آب دوباره تجربه کرد. ارزش آب را در مرتبه و اهمیت و اولویتی بیش از سفره غذا، رفع عطش و رفع نیازهای آنی خود جای داد و به آن توجهی روحانی پیدا کرد تا آن جا که هندسه و روش ترسیم آب را به خوبی فرا گرفت و بر دانایی خود افزود. ترسیم نقطه، خط راست، خط منحنی، گوشه، اندازه نسبی زاویه، زاویه راست، زاویه تند، اشکال هندسی، و حرکت خط، ارزش خطی، اصول طراحی فنی و مهم‌تر از آن، توجه به مقیاس و رعایت یک‌نواختی مقیاس برای همه ابعاد و سایه روشن همه وجوه و لبه‌های موضوع منتخب طرح،

## ساخت نخستین

## پیاله را می‌توان

## نمادی پنداشت

## که یاد آور

## سرشاخه‌های

## علمی و هنری و

## تجربه‌های پیشین

## انسان طی قرون

## متمادی می‌باشد

«ساختن سفال مقوله‌ای کاملاً نو بود، در این مورد انسان توانست با تغییر ماهیت مواد خام موجود در طبیعت و ترکیب آن‌ها با یکدیگر شکل و جنس خاصی را که تا قبل از آن در طبیعت وجود نداشت پدید آورد و بسازد. این هم یکی دیگر از توانایی‌های انسان بود که در هیچ موجود دیگری وجود نداشت و ندارد. سفال در ابتدایی‌ترین صورت خود عبارت بود از مخلوط آب و خاک و شاموت که در حرارت پخته شده باشد. قبل از پختن شکل دلخواه به مخلوط داده می‌شد و پس از پخته شدن برای همیشه آن شکل به همان صورت حفظ می‌شد و باقی می‌ماند. بنا براین سفال سازی، سفالگری، صنعتی بود ابداعی انسان که برخاسته از فرهنگ و اندیشه او بود. از آنجا که آموزش ساخت سفال همزمان با تولید آن شروع شده بود، بنا براین در کیفیت ارتباط کلامی انسان نیز نقش مهمی ایفا کرده است. از این نظر می‌توان دوره تولید سفال را دوره تحول زبان نیز محسوب کرد. در این دوره علاوه بر فعالیت در زمینه‌های مختلف کشاورزی، دامداری، معماری، ابزار سازی و نظایر آن و انتقال تجربیات کسب شده در آن زمینه به نسل بعد و همچنین در آموزش



در کنار دجله در شمال بین النهرین نیز شباهت نزدیک دارند. سبوه‌های کروی با گردن کوتاه و باریک محمد جعفر با سفال سیلک واقع در فلات مرکزی شبیه هستند. کاسه‌های ساده با نقوش تزیینی زایل شونده نیز شبیه به سفال جارمو واقع در کردستان عراق و تپه حاجی فیروز در دره سولدوز آذربایجان شبیه هستند»<sup>۷</sup>.

#### نخستین پیاله:

پس از گذشت قرن‌ها از آشنایی انسان با بر افروختن آتش، نسل‌ها در پی نسلی، بی آن که اندیشه‌ای از ویژگی‌های آب در خاطر کسی باشد، تنها بو و مزه و اغلب جای به دست آوردن آن را در چشمه و جویبار یا برکه و رودخانه می شناختند، و شاید رعد و برق آسمان در ارتباط با ابر و باران و جاری شدن سیل برای ایشان مفهوم دیگری از آب بود. شاید نسل‌ها برای جابه‌جا کردن آب اندیشیدن را آغاز و تجربه کرده بودند. رو‌بای چیزی «پیاله‌ای» همچون پوست انار، پوست هندوانه، پوست کدو یا نارگیل در گل رس دم دست غار شکوفا شد. تا آن جا که مدارک باستان‌شناسی نشان داده‌اند بالاخره از ترکیب خاک و آب، شکلی متناسب با اندازه‌های دست انسان ساخته شد و در جریان باد و گرمی آفتاب خشکید و در آتش پخته و تثبیت شد و انسان نخستین ظرف سفالی را ساخت. با پیشینه‌ای که از تجربه کردن اندازه‌ها برای هیمه و زمان سنجی سوخت و ضرورت پیش‌بینی هنگام خاموش شدن آتش داشت، این بار اندازه‌گیری‌های مربوط به آب را در شکل‌های گوناگون آن تجربه کرد.

می دهد. قطعات خشت‌های رسوبی به اندازه‌های ۱۰×۲۵×۴۰ سانتی‌متر و ضخامت یک متر برای دیوارها، اطاق نیز به ۳×۳ متر افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد.<sup>۸</sup> آنان اموات خود را ابتدا در حصیر پیچیده و سپس آن‌ها را به صورت جمع شده همراه با زینت آلات در کف منازل مسکونی خود دفن می کردند.

دوره محمد جعفر ۶۰۰۰ تا ۵۶۰۰ پیش از میلاد. در این دوره با نوآوری‌هایی در زمینه معماری، اقتصاد معیشتی و صنایع روبه رو می شویم. پی دیوارها از قلوه سنگ‌های رودخانه ای و دیوارها را با همان خشت‌های رسوبی می ساختند و برای اندود دیوار از ملاط گل و از محلول گل اخری برای رنگ آمیزی استفاده می کردند. کف اطاق‌ها دارای زیرساختی با گل کوبیده بود که بر روی آن حصیر پهن می کردند. کشاورزی و دامداری و شکار به روال گذشته ادامه داشت.

مهم‌ترین نوآوری در صنایع این دوره ساخت سفال بود، سفال این دوره نرم، ترد، و دارای شاموت کاه خرد شده بود. خمیر ظروف همانند خمیر پیکرک‌ها بود و ظروف را بادست شکل داده و به همراه پیکرک‌ها با حرارت کم در تنور می پختند. کاسه‌های کروی، و کاسه‌های بیضی شکل بزرگ با لبه ساده یا لبه کمی به خارج برگشته ساخته می شد و کاسه‌های گودی که سطح بیرونی آن‌ها با نقوش هندسی ساده و با محلول گل اخری به روش زایل شونده تزیین می شد. نقوش تزیینی سفال‌های محمد جعفر با نقوش سفال‌های تپه گوران واقع در لرستان، تپه سراب کرمانشاه بسیار شبیه هستند و با سفال‌های سامره و متارا واقع

ب - سفال قرمز تیره یا آجری مزین به نقوش سیاه رنگ. این سفال از قشر شماره ۲ در طبقه اول ظاهر می گردد. شکل ظروف بسیار ساده است و عبارت است از: جام، روغن داغ کن با پایه محدب، نقش این سفال کاملاً هندسی است و شباهت زیادی به ظروف سیدی دارد.<sup>۹</sup> در ابتدا در قشر یک و دوی این طبقه فقط داخل ظروف را نقش می کردند و این نقش عبارت بود از خطوط موازی وهاشورها و مثلث‌های هاشور زده و خطوط شکسته خطوط افقی موج دار، لک‌های سیاه دایره‌ای شکل و خطوط دندانانه دارموازی. در قشر سوم این لایه هر دو طرف ظرف مزین به نقوش هندسی است.»

برخی دیگر از طرح‌ها با خط‌های موجی، موازی، متقاطع، شطرنجی، منحنی، حلزونی در جهات گوناگون مورب، چپ - راست یا بالا - پایین رسم شده اند. در برخی نیز طرح‌هایی ترکیبی و منفرد از شکل‌های هندسی به چشم می خورد، همچون دایره، مستطیل، مثلث، لوزی. در شرح سفال‌های لایه (۱A) تپه حصار دامغان آمده است: «موضوع نقوش به قرار زیر است، نقوش هندسی خالص: مارپیچ، دندانانه دار، خطوط افقی موازی، گل وبرگ (برگ خرما)، درخت‌هایی که شاخه‌هایش مرکب از مارپیچ‌ها است.»<sup>۱۰</sup>

کما این که جدول نقش‌های نمای پنج، نشان دهنده آن است که نقش‌های هندسی در ردیف‌های ۷ - ۱ در بالای جدول و مقدم بر دیگر گروه‌های جدول تنظیم گردیده است. در میان شکل: نقش‌های هندسی همراه با نقش‌های گیاهی و نمادهای طبیعی در ردیف‌های ۱۷ - ۷ به چشم می خورد. در شرح نمونه‌های نقش سفال تپه موسیان (در حدود ۱۵۰ کیلومتری شمال غربی شوش قرار دارد). آمده است: «در این تپه سفال‌هایی پیدا شده است که خصوصیت ممتازی دارد. خمیر این سفال زرد رنگ یا سبز رنگ است و نقوش آن به رنگ قهوه ای یا سیاه و به ندرت به رنگ قرمز تمایل پیدا می کند. این نقوش شباهت به نقوش شوش اول دارد. موضوع‌هایی مرکب از خطوط هندسی که در روی آن دیده می شود به نقوش سفال «العبید» شباهت پیدا می کند و یا کاملاً نظیر آن است. بعضی از نقوش هندسی خصوصیات مشخصی دارند، مانند صلیب یونانی لبه دار، لوزی‌های دنباله دار، شکل‌هایی شبیه به عدد ۷ و دایره‌هایی شبیه به قرص خورشید.»<sup>۱۱</sup>

همین طور در شرح نمونه‌های نقش سفال طبقه پنجم تپه گیان (در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب غربی نهاوند قرار دارد). آورده است: «طبقه پنجم قدیمی ترین طبقه تمدن این تپه بود. در این طبقه سفالی با زمینه‌ی زرد و یا سبز کم رنگ، با نقوش سیاه به دست آمد. طرح این نقوش عبارت است از خطوط هندسی، مانند دندانانه و خطوط شکسته و مثلث‌هایی که از یک طرف به هم متصل هستند و تبردوسر، صلیب متساوی الاضلاع، لوزی، چارخانه و دوایری که داخل آن‌ها تزیین شده است.»<sup>۱۲</sup>

«قابل توجه‌ترین اشیایی که در خوزستان پیدا شده سفال‌های شوش است این سفال‌های منقوش خیلی ظریف است و با خاک بسیار نرمی ساخته شده، رنگ آن‌ها خیلی روشن است و در حقیقت سفید مایل به زرد یا سبز است. نقش آن‌ها سیاه یا قهوه‌ای یا بنفش تیره است که مستقیماً روی بدنه ظرف قرار داده شده و گاهی این رنگ به قدری ضخیم است که شبیه به لعاب شده و در نتیجه گذشت زمان ترک خورده و ریخته است. ظروف خوب در کوره پخته شده و به وسیله چرخ دستی ساخته شده و بدنه آن‌ها بسیار نازک است.

موضوع نقوش هندسی عبارت است از خطوط شکسته و مثلث‌ها و صلیب شکسته و خطوط عمودی منتهی به ابرو و نیزه‌هایی که روی پایه‌هایی قرار دارد، شاخه‌ها، گل‌های پنج پر، حشرات، لاک پشت‌ها،

ماهی‌ها، مارها، لک لک‌ها، مرغ آبی گردن دراز با پاهای دراز، بزهای کوهی، بز معمولی، پلنگ‌ها، کفتارها و سگ‌ها، نقش انسان نیز با دقت روی این سفال‌ها نشان داده شده است.

در نقوش سفال‌های طبقه اول شوش سادگی و روشنی نقوش حکم فرماست، در ترکیب نقوش در شوش تناسب حجم رعایت شده، به علاوه هر عضوی از این نقوش ارزش واقعی خود را در مجموع ترکیب حفظ نموده است.»<sup>۱۳</sup>

#### نشانه‌هایی از یادمان‌های آیینی:

انسان در هنگام شکار، سنگ را تیز شکست و ساختن ابزار را به یاد سپرد. در هنگام یخبندان بزرگ بر آفرودختن و مهار آتش را آموخت و به هنگام نگاهداری و روشن نگهداشتن همیشگی آن با حساب و زمان سنجی آشنا شد، به هنگام باران، هندسه آب را شناخت و با نقش آفرینی هندسه آب بر نمای سفال، رواج آیین زمان خود را تبلیغ نمود و با افزودن تجربه حساب بر هندسه آب، معماری سکونت گاه خویش را در بستر زمینی‌اش بر عهده گرفت.

پشت سر گذاشتن هر یک از این گره‌گاه‌ها که در رویارویی با شرایط سخت تحولات طبیعی بستر زیست انسان واقع می شد، و اغلب با رنج بسیار و تهدید به نیستی همراه بود، بر تجربه‌های زیستی او افزود، و انسان را در بر آستانه آگاهی بر شناخت خاصیت پدیده‌هایی نشان داد که از آن‌ها بهره گرفته بود. راه بهره گیری از هریک از این پدیده‌ها را به هنگام تهدید یا پیش بینی بروز خطر، باکمین کردن و نگاه جستجوگر پی گیر خود در آن‌ها که دم دست او بودند، در واکنشی چالاک هریک را تجربه کرد و با تکرار آن، عملاً رویه تجربه شده را بر آیین‌های گروهی و سنت‌های پیشین خود افزود.

انسان پس از آشنایی با پدیده‌ای همچون آتش، چون با شیفتگی پر وسواس، نگاهی پیگیر به آن داشت، نیروی درون آن را در هنگام سرما، رویارویی با درندگان تجربه کرده بود و مهار آن را انحصاراً در اختیار داشت، شاید که یاری آن را ارمغانی برای نجات خود پنداشت و با احترامی ویژه مهربانی آن را ستایش و نیایش کرد. شاید تا هنگام پی بردن به نقش نعمت دیگری از پدیده‌های طبیعی، در نیایش آتش افراط هم کرده باشد. نگاه جستجوگر او بر زیبایی زایش چشمه آب، نقش آب زلال را در سر سبزی گیاه و تشنگی خود و دامی که پرورش می‌داد، بدیهی می شمرد. ولی انسان نقش آب را هنگامی شناخت که با آبیاری کلان و معیشت کشاورزی در قلمرو خویش مستقر شد و به انتظار باران نشست، برای باران بهنگام احترام گذاشت و سیلاب که کشتزارش را ویران می‌کرد او را به سیاست‌گزاری از مهربانی باران بهنگام و تقدیس چشمه زاینده آب هدایت کرد.

انسان در گره گاهی از دوران پیش از تاریخ با اراده خویش از ترکیب آب و خاک در برابر باد و آتش، پیاله آب را ساخت و آن را در برابر بیکرک ستود و با نقش هندسی که بر درون ظرف سفالی انداخت، نشان داد که گوهر آب را با هنر خویش ستایش می کند و پس از آن نقوش هندسی را بر نمای بیرونی پیاله همچون مهرآب نیایش خویش طرح انداخت.

نقش بز، پرندۀ آبی، لک لک، آسمان، خورشید و یا ترکیبی از این گونه پدیده‌ها که تقدسی داشتند و معرف آیین شخص بودند، بر سفال نقش بسته، پس از مرگ با ایشان به خاک سپرده می شد. و برخی که صاحب منصب اجتماعی یا شخصیتی مذهبی بودند، نمادی از معبد یا بیکرک شخص به عنوان یار و همراه آنان به فراخور حال، شخصیتی فرهنگی داشتند، به همراه در گور نهاده‌اند.

از آن پس در نگاه جستجوگر او هرآن چه آنی داشت، بر آیین پیاله

با همه شگفتی نشان دهنده تحولی جانانه است که انسان را بر سر راهی تحسین بر انگیز قرار داد.

### هندسه‌ی آب و نقش نشان‌های هندسی:

پیش از پیدایش سفال نقش دار، انسان پیکرک گلی را با همان دقت و توجهی ساخت که نقش هندسی را بر بدنه ظرف طرح انداخت. تا آن زمان هندسه و نقش هندسی در مانده‌های کالبدی از آن دوران یافت نشده است. شاید بتوان چنین در نظر گرفت که دستیابی به هنر نمایش تجریدی سطح افقی آب، موج و رفتار آب در طبیعت آن چنان در زندگی روزمره مردم این دوره نقش و اهمیت یافته بود که جز مضمون‌های یادآورنده مشخصات آب، یادآوری هر نقش دیگری را منع کرده باشند. یکنواختی نگرش نخستین هنرمندان نقش آفرین پیش از تاریخی نسبت به موضوع و بن‌مایه‌های نقش رسم شده بر نمای بدنه ظرف‌های سفالی، خود گویای نظامی ناظر بر روابط اجتماعی

معلوم نیست که با گذشت دوره‌ای بالغ بر بیش از ده قرن از ساخت نخستین ظرف‌های سفالی با نقش‌اندازی خطوط هندسی، چه رویدادی در روابط اجتماعی یا آیینی آن دوران بروز کرده بود که ظرف‌هایی با نقوش ماهی، لک لک، پرنده دریایی، نیزار، درخت، سرسبزی، دریا، رودخانه، قله‌کوه، حصیر، بنا و ساخت و سازهای معمارانه و بسیاری پرده‌های متنوع با نقش‌های گوناگون به طور همزمان در همه محوطه‌های فرهنگی پدید آمد، شاید که طرح آیینی نویی بود که هنرمندان پیش از تاریخ یا رهبران آیینی به نوعی و از جمله نقش‌های روی ظرف‌های سفالی به اشاعه و تبلیغ آن می پرداختند. این فرض از آنجا به یقین نزدیک است که طبقه‌بندی موضوعی نقش بر روی سفال در هر دوره‌ای از دوره‌های پیش از تاریخی کمتر به مکان بستگی دارد ولی حکم زمان و دوره پیش از تاریخی ساخت بر آن مرعی است. از همین رو موضوع نقش کهن ترین دوره سفال شوش همانند است با

### یکنواختی نگرش نخستین

### هنرمندان نقش آفرین پیش از

### تاریخ نسبت به موضوع و

### بن‌مایه‌های نقش رسم شده بر

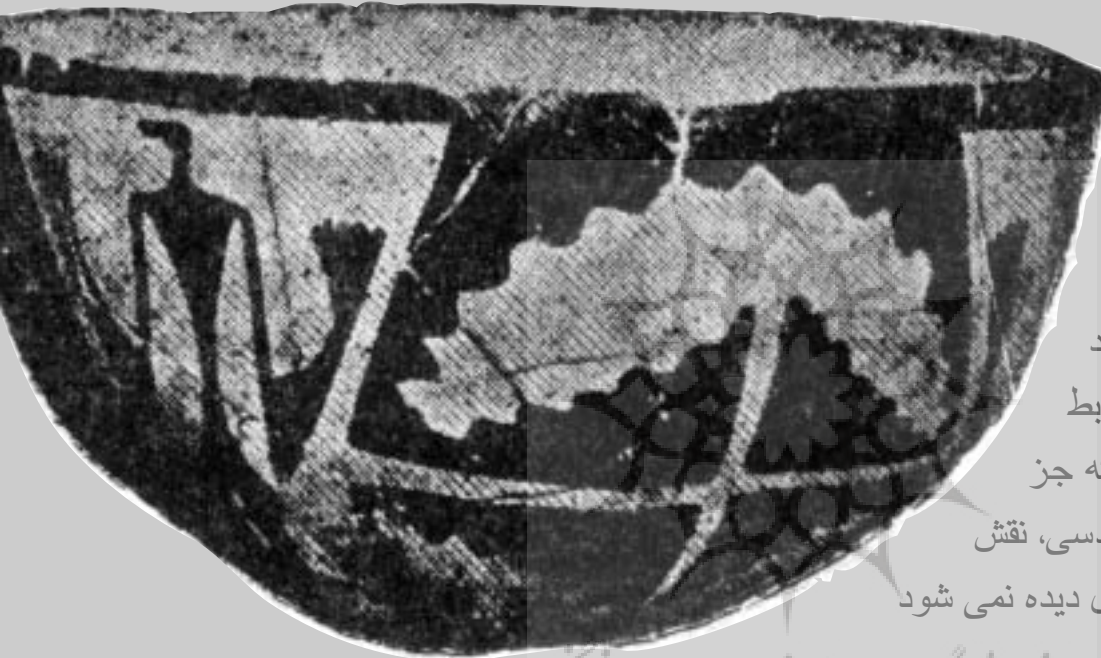
### نمای بدنه ظرف‌های سفالی، خود

### گویای نظامی ناظر بر روابط

### اجتماعی و رعایت آیینی است که جز

### موضوع نقش مجاز نقش‌های هندسی، نقش

### دیگری بر سفال دیده نمی شود



و رعایت آیینی است که جز موضوع نقش مجاز نقش‌های هندسی، نقش دیگری بر سفال دیده نمی شود.

چنین به نظر می رسد که از این پس تحول تازه‌ای در طبقه اجتماعی و شخصیت هنرمند نقاش، زبان و بیان نقاشی و بستر آفرینش‌های هنری وی پدید آمده باشد، تا جایی که می توان به گمان تخمین زد که هنر نقاشی بر زمینه ظرف سفالی همچون کتابی مصور برای تبلیغ و شاید تدریس موضوع‌های علمی و هنری مورد استفاده قرار می گرفته و در مبادله‌های اقتصادی و رونق معامله‌های پایاپای میان اقوام و جماعت‌های همسایه نیز نقشی مؤثر و رقابتی داشت، و شاید وحدت موضوع نقش روی سفال و یکدست بودن آن در همه سرزمین‌های فرهنگی شناخته شده فلات ایران، بر حسب کاربری نوین سفال‌های نقش دار در رواج تبلیغ پیام‌های آیینی باشد.

موضوع‌هایی که یاد آور سفره غذا، میوه و دانه‌های گیاهی یا انواع جانوران و دیگر مواردی که مورد علاقه مردم و استفاده روزانه ایشان است بر نخستین دوره پیدایش سفال رسم نشده است، و می‌توان چنین پنداشت که این هنرمندان، کاهنین معبد بوده‌اند یا این که هنرنمایی ایشان تحت حمایت کاهن معبد صورت می گرفته است.

موضوع نقش سفالینه‌های سیلک کاشان یا شاه تپه گرگان. نقش آفرینی‌های هنرمندان پیش از تاریخی از چشم اندازه‌های روزانه خود، افزوده بر ارزش هنری و تزئینی، به لحاظ آشنایی با تغییرات و تحولات علمی زندگی اجتماعی انسان شایان توجه به نظر می رسد. نقش‌های ظروف سفالی خود همچون کتابی مصور، گزارشگر آفرینش‌های علمی، خلق و خو، گرایش‌های آیینی، رفتاراجتماعی، گونه‌های معیشتی، آبیاری و آبرسانی، کشاورزی و دامداری زمان طرح اندازی سفال هستند. نمونه‌هایی ترسیمی از نقش‌های ظرف‌های سفالی این دوران، خود گویای مفاهیم ژرف پیام هنرمندان پیش از تاریخی است، که آغازین دوره رونق سفال نقش دار و رواج فراگیر آن در حدود هزاره‌های پنجم و ششم پیش از میلاد و در ادامه، فرهنگ دوره محمد جعفر در تپه علی کش دهلران است که شرح مختصر آن گذشت. در شرح نمونه‌های نقش سفال در لایه‌های طبقه اول سیلک (کاشان) آمده است: «سفال طبقه اول منحصرأ با دست و بدون استفاده از چرخ کوزه‌گری ساخته شده، آن طور که در کوره به صورت نامنظم پخته می‌شد و از نظر فن کوزه‌گری به چهار دسته تقسیم می شود. الف - سفال کمرنگ با نقوش سیاه.



اطراف کرمانشاه نیز چند جا که مهم‌ترین آن‌ها غار بیستون، غار خر، پناهگاه سنگی ورواسی، غارهای مر تاریک، مر آفتاب، و مر دودر و دو محل نیز در نزدیکی هرسین کرمانشاه، شناسایی شده است.

یک محل در نزدیکی جهرم و چندین محل در دو محوطه در فارس نزدیک به رودخانه کور شناخته شده است که اشکفت گاوی از همه آن‌ها مشهور تر است.

از آثار دوره موستری در شمال ایران تنها غار آرام، و از خراسان غار خونیک در نزدیکی بیرجند و در کرمان در

گونگون بومی خوزستان بوده و یک دهم بقیه غذای مورد نیاز خود را از نوعی گندم دانه درشت و جو دو ردیفه را که بومی خوزستان نبودند می کاشتند. درو غلات اعم از خودرو یا کشت شده به وسیله داس‌های ساخته شده از سنگ چخماق صورت می گرفت و پیش از مصرف آن‌ها را بو داده و با سنگ‌های ساب زینی شکل نرم می کردند.

گوسفند پیش از این دوره اهلی شده بود و اغلب برای مصرف گوشت، بز و گوسفند سه ساله را ذبح می کردند، و علاوه بر آن جانوران سم دار غزال، گورخر، گراز، گاوهوشی، را شکار می کردند و بخش کوچکی از از

نقش‌های ظروف سفالی خود  
همچون کتابی مصور، گزارشگر  
آفرینش‌های علمی، خلق و خو،  
گرایش‌های آیینی، رفتار اجتماعی،  
گونه‌های معیشتی، آبیاری و  
آبرسانی، کشاورزی و دامداری  
زمان طرح اندازی سفال هستند



نیازهای غذایی ایشان از پستانداران کوچک از جمله روباه قرمز بود و از میان آبزیان، ماهی خرچنگ، حلزون، لاک‌پشت‌آبی نیز به مصرف می رسید و پرندگان مهاجر در اواخر اسفند ماه شکار می شدند.

برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: دکتر صادق ملک شهمیر زادی: ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور سال ۱۳۷۸. صفحه‌های: ۱۶۳ - ۱۸۱.

۶- هاون و دسته‌هاون از نوآوری‌های این دوره در علی کش است. تعداد کاسه‌های سنگی افزایش یافته و سنگ سینی کم عمق نیز تهیه شده است. بخش‌هایی از پیکرک‌های پخته نیز به دست آمده است. زینت آلات این دوره دندان گراز و مهره‌هایی از فیروزه و مس طبیعی بود که از فلات مرکزی ایران به دست می آوردند و برای ساختن مهره‌ها از صدف‌های خلیج فارس بهره می بردند و از ابسیدیان‌های نمرود داغ ترکیه برای ساختن تیغه استفاده می کردند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به همان جا.

۷- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: دکتر صادق ملک شهمیر زادی: ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور سال ۱۳۷۸. صفحه‌های: ۱۶۳ - ۱۸۱.

محل‌ی نزدیک به تل ابلیس و در جنوب تهران در حوضه‌ی مسیله گزارش شده است.

برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: دکتر صادق ملک شهمیر زادی: ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور سال ۱۳۷۸. صفحه‌های: ۱۲۶ - ۱۱۹.

۴- از ویژگی‌های ابزارهای این دوره، این است که معمولاً آن‌ها را از سنگ چخماق موجود در محل می ساختند و از سنگ‌های ابسیدین (شیشه سنگ آتش فشانی) وارداتی (از آنا تولی) نیز برخی از ابزارهای مورد نیاز خود را می ساختند. سنگ‌های ساب که در امر آماده سازی غذا، برای ساییدن و نرم کردن دانه‌های حبوبات از آن‌ها استفاده می شد، یکی از مهم‌ترین ابزارهای این دوره هستند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: دکتر صادق ملک شهمیر زادی: ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور سال ۱۳۷۸. صفحه‌های: ۱۲۶ - ۱۳۶.

۵- نه دهم بقایای گیاهی به دست آمده از گیاهان

صندلی نشان میدهد. در مقابل الهه تصویر سه زن به اندازه‌های مختلف، نشسته بر زمین و در پشت الهه، شکل زن ایستاده ای نقش بسته است. در سمت راست صفحه، در زیر نقوش سه زن، باغ مستطیلی شکل شطرنجی جلب نظر می‌کند که در آن دو درخت خرما روئیده است. در سمت چپ صفحه زیر پای زن ایستاده، درخت خرمای دیگری جلوه می‌کند.

در زیر کلیه نقوش بالا یک ردیف نقش حیوان، شامل دو شیر خوابیده و یک گاو با شاخ‌های بلند، در حال حرکت کنده کاری شده است. نقش شیرها در طرفین گاو مقابل یکدیگر قرار دارند. قسمت بالا و پایین نقوش، صفحه‌ی مربع با دو ردیف پیچ درهم که نشانه جریان آب است، محدود می‌شود. در قسمت بالای صفحه، در حد فاصل بین الهه و زنان نشسته سمبل خورشید و به صورت به صورت نقش گلی چند پر، کنده کاری شده است. این صفحه باقاب فلزی نسبتاً ضخیمی محصور شده است که به وسیله دو قلاب متحرک به میله وصل می‌گردید. به طور کلی این مجلس، افسانه مذهبی الهه‌ای را نشان می‌دهد که عده ای برای طلب نیاز به او توسل می‌جویند. مناظر باغ و درخت خرما و جوی آب و تصاویر گاو و شیر نشانه‌هایی از آیین و عقاید مذهبی آن زمان است که که جایگاه الهه و طرز دستگیری او را مجسم می‌سازد. این درفش به احتمال قوی متعلق به معبد الهه‌ای است که هنوز با نام او آشنایی نداریم. معمولاً آن را در هنگام مراسم مذهبی به کار می‌بردند، یا این که به عنوان هدیه به معبد خدای مذکور تقدیم داشتند. با وجودی که نظرات فوق تا حدی امکان استفاده از آن را روشن می‌سازد ولی باز هم به مطالعه بیشتری نیاز دارد. اهمیت این درفش بیشتر از آن لحاظ قدمت، شکل و ساخت آن است، ضمناً از لحاظ باستان‌شناسی شیئی منحصر به فرد است که اولین بار در یکی از مناطق قبل از تاریخی ایران کشف شده است»<sup>۱۹</sup>.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- سطح خلیج فارس با پس و پیش رفتن قشر یخ در حال نوسان بود، یعنی هنگامی که پس می‌رفت سطح آب بالا می‌آمد و وقتی پیش می‌آمد پایین می‌رفت و این امر در برش مقطعی رودخانه‌ها و فرسایش آن‌ها اثر داشت. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به ژورنل رو، بین‌النهرین باستان، چاپ دهم، سال ۱۹۸۵م، ترجمه عبدالرضاهوشنگ مهدوی، نشر آبی، سال ۱۳۶۹، ص ۴۸.

۲- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: صفحه ۵۱. همان منبع.

۳- از هفده غار و پناهگاه سنگی واقع در اطراف شهر خرم‌آباد لرستان غارهای کنجی قمری و پناهگاه‌های ارجنه با قدمتی در حدود ۳۸۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ سال. تحقیقات بیشتری صورت پذیرفته است هومیان و چند محوطه دیگر در نزدیکی کوه سرساهون در کوه‌دشت لرستان و همچنین در دره هولیلان در کنار رود سیمره دست کم دو پناهگاه و پنج محل روباز در نزدیک پل باریک شناسایی شده‌اند. غار متممه در نزدیک شهرستان ارومیه و همچنین در

سفالی او نقش بست. نگاه جستجوگر پیگیر او به آسمان، خورشید، ابر، ماه، ستارگان، روز و شب، رابطه هریک را با روان خود و سفره غذای خویش به پرسش و پاسخی کشید که شاهد تداوم آن هستیم. مانده‌های فرهنگی دوره‌هایی نه‌چندان دور از دوران نوسنگی، آثار هنری و مانده‌هایی از آغاز شهر نشینی، خود گواهی بر ادامه نگاه‌های جستجوگر و پیگیر انسان در شناخت نیروهای پنهان در طبیعت مواد و پدیده‌های پیرامون او هستند.

در گورستان‌های محوطه باستانی شهداد (خبیص) کرمان آثار فرهنگی چشمگیری از سفال، سنگ و فلز مربوط به هزاره سوم (پ.م.) بر جامانده، که در نمونه‌هایی از آن پرده‌های زیبایی از رابطه انسان و طبیعت و رابطه آسمان با زمین، نقش بسته که موضوع آن‌ها، همچون نمادی از بز کوهی، خورشید، درخت، شیر، گاو، رودخانه، باغ، الهه رستنی‌ها، الهه حیوانات، تندیس‌هایی از انسان درحال نیایش و چند طرح و نمونه‌های پیکرک از ساختمان معبد و برخی خط‌نوشته‌های نشانه‌ای است.

نمای پیکرک‌ها و نقش بناها بر روی سفال‌های این محوطه باستانی از یک خانواده هستند و چنین به نظر می‌رسد که هر یک از آن‌ها به گونه‌ای یادآور رابطه آسمان با زمین باشند که در گره گاهی از زمان و مکان در شهداد درهم آمیخته‌اند.

نقش خورشید، با نقر خطوط مستوی، گوشه دار و نقش ساختمان بر سفال، همچنین پیکرک ساختمانی که گودی میان بام آن همچون آغوشی باز رو به آسمان دارد و همچنین ساختمانی که بر فراز آن ظرفی مخروطی شکل و در برخی از نمونه‌ها لبه ظرف آویخته و برخی دارای لبه‌ای ساده‌اند، اهم پیام‌هایی هستند که هنرمندان آن دوران تا به امروز در حال مخابره آن‌ها هستند.

- الف: نمای نقش بر سفال:

الف - ۱): کوزه با نقش بز کوهی. ک. ۱۴.۵۹

الف - ۲): کوزه با نقش خورشید و درخت. ک. ۹۸.

الف - ۲): « آشنایی با خط و علائم نشانه ای یکی از مشخصات بارز تمدن اقوام این منطقه است. غالب این کلمات روی سفال‌های قرمز رنگ حک شده بود. در میان کتیبه شش کلمه ای به خط ایلامی که بر لبه یکی از خمره‌ها نقش شده بود و ترجمه آن به وسیله پروفوسور هینز (HINZ P.) انجام گرفته است، مفهوم آن به شرح زیر است.

«شصت کا آب باران شیرین» جمله آب باران شیرین دلیل بر جمع آوری آن در ظرف مخصوصی است که به عنوان تبرک به افراد معین داده می‌شد یا در جهت مردگان در قبر می‌گذاشتند». نمونه‌های مختلف خط نشانه‌ای بر نمای سفال.<sup>۱۵</sup>

الف - ۳) نقش کنده خورشید، نماد درخت، نمای معبد آب؟<sup>۱۶</sup>

- با: تندیس گلی انسان در حال نیایش.<sup>۱۷</sup>

- ج: نقش الهه رستنی‌ها و الهه حامی حیوانات بر روی مهر استوانه ای از سنگ مرمر.<sup>۱۸</sup>

- د: پیکرک‌های ساختمانی: گودی میان بام آن همچون آغوشی باز رو به آسمان دارد و همچنین ساختمانی که بر فراز آن ظرفی مخروطی شکل و در برخی از نمونه‌ها لبه ظرف آویخته و برخی دارای لبه‌ای ساده‌اند.

- ه: شرح درفش فلزی شهداد: « شیء ارزنده دیگری که در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ به‌دست آمد، درفش فلزی منحصر به فردی است که از یک صفحه مربع (شکل) فلزی به ابعاد ۲۳×۲۳ سانتی متر و میله‌ای به طول ۱/۱۹ متر تشکیل می‌گردد و بالای پایه یا میله درفش، به مجسمه عقاب بال گسترده ای در حال فرود ختم می‌شود.

روی درفش مزبور مجلسی نموده شده که الهه ای را نشسته بر روی

Safavid  
Art and Architecture

Robert Hillen Brand

○ هنر معماری صفوی

موزه بریتانیا در سال ۱۹۹۸، کنفرانسی با عنوان هنر و معماری دوره صفوی برگزار کرد. این کنفرانس که با همکاری شیلاکنبای و بخش شرقی مطالعات شرقی موزه ترتیب داده شد، به هنرهای عصر صفوی در فاصله‌ی سال‌های ۱۷۲۲-۱۵۰۱ و در رابطه با شاهان و شاعران و همچنین نقاشی هندی و اسلامی می‌پرداخت. در مجموع بیش از ۲۵ مقاله از کارشناسان بریتانیایی، آمریکای شمالی، اروپا، ایران و روسیه ارائه شد که موضوع‌های متنوعی را از جمله معماری، باستان‌شناسی، سرامیک، فلزکاری، شیشه، فرش، منسوجات و صحافی دربرمی‌گرفت. مری ویلیامز (Mary Mc Williams) یکی از محققان شرکت‌کننده تعداد ۳۰ مورد مخمل دوره صفوی را مورد بررسی قرار داد. رابرت هیلن برند (Robert Hillen brand) در رابطه با بقعه‌ی شاه اسماعیل و تزئین این بنا و هنر معماری آن مطالبی بیان می‌کند. آدا آداموف (Ada Adamov) دو پرتره از سفیر کبیر روسیه را که هر دو با مهر شاه‌عباس مهمور شده است و در اثر انتقال پایتخت به اصفهان آورده شده مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در طی چهارده سال، تاریخچه‌ی این دو پرتره را بررسی و با جست‌وجو در آرشیوها و کتابخانه‌های روسیه متوجه می‌شود که این دو اثر از کارهای رضا و صادقی یک می‌باشد. از نقاط ضعف این کنفرانس عدم بررسی گسترده در زمینه‌های تاریخی و فرهنگی صفویه در مقالات ارائه شده است.

Carpet and textile Review July,  
1998. Hali 99 International

۸- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: دکتر صادق ملک شه‌میر زادی: ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور سال ۱۳۷۸. صفحه‌های ۱۵۵- ۱۵۶.

۹- برگرفته از لویی واندنبرگ، کتاب: باستان‌شناسی ایران باستان. طرح هندسی نقش سفال دوران پیش از تاریخ، شرح سفال در لایه‌های طبقه اول تپه سیلک (کاشان). ص. ۶- ۱۲۵ و شکل ۳۵ و ۳۶.

۱۰- همان جا: ص. ۱۲. شکل: ۴. ردیف: ۱۲- ۱. ۱۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به همان جا: ص. ۸۴. ۸۶. ش. ۲۵.

۱۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به همان جا: ص. ۸۷ و ۸۸. ش. ۲۷.

۱۳- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به همان جا: سفال طبقه اول شوش، صفحه‌های ۷۵ و ۷۶ و ردیف نقش‌های ۳۵- ۱، شکل ۲۰.

۱۴- علی حاکمی، کشف تمدن قبل از تاریخی در شهداد (خبیص). راهنمای نمایشگاه دشت لوت خبیص (شهداد). اولین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران. سال ۱۳۵۱. ۱۵- همان جا. ص. ۱۵ گزارش.

۱۶- «آیا مدل بناهایی که در شهداد کشف شدند ماکت معابد هزاره سوم ق.م. بوده‌اند؟»

ترجمه کامیار عبدی، نوشته علی حاکمی، صفحه‌های ۱۰۶- ۱۱۹. فصل نامه علمی، فنی، هنری اثر، شماره ۲۶ و ۲۷. سال ۱۳۷۵. همان جا. ص. ۲۲. و ص. ۲۳ نماها.

Buildings discovered at Shahdad,  
ALI HAKEMI. Are the Models of  
millenium B.C. South Asian Models of  
the Temples of the 3rd  
1990. pp. 459 - 474. Archaeology  
1987, vol. 1, Rome,

۱۷- بر گرفته از: علی حاکمی، تمدن پیش از تاریخی شهداد در مشرق لوت کرمان. در یادنامه ششمین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران. ص. ۱۳۱ تا ۱۵۰.

CIVILISATION A SAHDAD AU  
BORD DECOUVERTE DUNE  
ALI HAKEMI OUEST DU LUT.  
KERMAN par  
CONGRESS VIth INTERNATIONAL  
THE MEMORIAL VOLUME  
ARCHAEOLOGY. IRANIAN ART

۱۸- علی حاکمی، کشف تمدن قبل از تاریخی در شهداد (خبیص). راهنمای نمایشگاه دشت لوت خبیص (شهداد). اولین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران. سال ۱۳۵۱. ص. ۲۶. نماها.

۱۹- همان جا. ص. ۸ و ۹.